

فرهنگ دین و آیین

گفت‌وگو

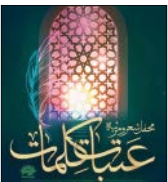
رضا مهدوی، هنرمند تذهیب‌کار از فعالیت در مجموعه آستان قدس رضوی می‌گوید

روی داربست‌ها نماز می‌خواندیم



مریم خزاعی
چام چم
خراسان رضوی
حرم مطهر امام‌رضا(ع) علاوه بر حال‌وهوای معنوی آن که نتیجه حضور و وجود یک امام معصوم(ع) در آن مکان روحانی است، مجموعه‌ای است بی‌نظیر از ترکیب و تلفیق هنرهای مختلف که بیننده را تا ساعت‌ها مبهور و متحیر می‌کند. این مجموعه عظیم هنری، حاصل فعالیت صدها هنرمند عاشق در طول قرن‌ها و دهه‌هاست؛ هنرمندانی که همه ذوق هنری رادر مجموعه حرم مطهر خرج کرده‌اند و رضا مهدوی یکی از آنهاست که در هنر تذهیب‌کاری در مجموعه آستان قدس رضوی به فعالیت هنرمندانه مشغول است. مهدوی از سال ۶۴ نقاشی را به‌صورت جدی در نزد استادان مختلفی چون مرحوم استاد جوادیان صراف، مرحوم استاد قدیر صباغیان و استاد فرشچیان و استاد جزی‌زاده(طراح کاشی‌های صحن جامع رضوی یا پیامبر اعظم(ع) آموخته است. او اکنون پس از بیش از دو دهه همکاری با مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس‌رضوی در دانشگاه به تدریس تذهیب مشغول است.این هنرمند در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره سابقه هنر تذهیب می‌گوید: سابقه تذهیب به پیش از اسلام و دوران مانویان بازمی‌گردد و پس از ورود اسلام به ایران این هنر برای آراستن قرآن و مساجد به کار گرفته می‌شود. وی در توضیح معنای رنگ‌های به‌کار رفته در تذهیب می‌گوید: در تذهیب از رنگ‌های فلزی مثل طلا و نقره و نیز رنگ لاجورد استفاده می‌شود. در حقیقت تذهیب، نمایش آزادکردن نور و روشنایی است. تکرار رنگ طلایی و لاجوردی در آثار تذهیب، نماینده توانایی شب و روز و در واقع ریتیم ذکر است.

از حرم تماس گرفتند و دعوت شدم
مهدوی درباره سابقه فعالیت خود به‌عنوان یکی از هنرمندان آستان قدس رضوی می‌گوید: از سال ۶۴ تاکنون حدود ۳۶سال است که به این فعالیت هنری مشغولم. از کارهایی که برای آستان قدس انجام داده‌ام یکی طراحی و نظارت بر اجرای نقاشی‌های مقرنس‌کاری ایوان شرقی صحن آزادی است که در شب ولادت امام‌رضا(ع) در ۱۳۸۸/۸/۸ به بهره‌برداری رسید. این کار با تیمی ده نفره چهار ماه زمان برد که افتخاری بود و همیشه این آرزو را داشتم که در حرم مطهر امام‌رضا(ع) کاری انجام بدم که به لطف خدا انجام شد؛ البته من از قبل درخواست همکاری داده بودم که به سرانجام نرسید تا اینکه یک روز از حرم با من تماس گرفتند و دعوت شدم تا در این خدمت سهیم باشم. هرچند که من همیشه از ارتفاع سبم داشتم ولی در آن مقطع زمانی که تکرار نشده و نخواهد شد با لطف حضرت امام‌رضا(ع) و همکاری تیم حاذق که کار را جلو می‌برد، همه مشکلات مرتفع و کارها به‌موقع انجام شد. از او می‌خواهیم خاطره‌ای از آن روزها بگوید و وی چنین پاسخ می‌دهد: زیباترین صحنه‌هایی که به یادم می‌آید، مربوط به زمانی بود که از داربست‌ها بالا می‌رفتم. یک نگاه به گنبد و زائرنی که در صحن‌ها در رفت‌وآمد و در حال دعا و نیایش بودند، می‌کردم و یک نگاه به مرقد امام اما خاطره‌ای که همیشه برای من بوی تبرک و معنویت می‌دهد، مربوط به طراحی نقاشی ایوان شرقی بود که پس از یک‌سال‌ونیم از شروع کار به من پیشنهاد شد. ابتدا از من خواستند که زمان اتمام کار را اعلام کنم و من مشتاقانه این کار پذیرفتم و گفتم که ۹ ماهه کار را تحویل می‌دهم اما از طرف آستان‌قدس اعلام کردند که باید کار ۶ ماه به اتمام برسد. من به امید خدا کار را شروع کردم و با نزدیک‌شدن به ایام ولادت امام رضا(ع) شب تصحیح با نورافکن کار می‌کردیم و حتی روی داربست‌ها نماز و زیارت می‌خواندیم. حال‌وهوای روحانی خاصی داشتم چون مشرف به گنبد مطهر بودیم و همه بچه‌های تیم با ارادت ویژه‌ای کار می‌کردند. یقیناً مهر حضرت(ع) شامل حال ما نبوده که به‌موقع کار را به اتمام رساندیم.



حوزه هنری انقلاب اسلامی در ایام رحلت نبی اکرم(ص)، شهادت امام حسن(ع) و شهادت امام رضا(ع)، محفل شعر و مرثیه «عنایت کلمات» را برگزار می‌کند. به گزارش جام جم، در این مراسم که در روزهای دوشنبه ۱۲ تا چهارشنبه ۱۴ مهرماه از ساعت ۱۹ در رواق شهادت حوزه هنری برگزار می‌شود، شاعرانی چون مرتضی امیری اسفندقه، سعید بیابانکی، احمد علوی، علی دادوی، سیدحمیدرضا برقی، میلاذ عرفان پور و... شعرخوانی خواهند کرد.

برگزاری محفل شعر و مرثیه



تقدیر ویژه زوربخ از فیلم ایرانی

فیلم «قصیده گاو سفید»، از سوی هیات داوران بخش رقابتی اصلی جشنواره فیلم زوربخ در کشور سوئیس به شکل ویژه تقدیر شد. به گزارش ایسنا، قصیده گاو سفید به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها، تنها فیلم ایرانی حاضر در بخش مسابقه ایسنال جشنواره فیلم زوربخ بود که با ۱۳ فیلم دیگر برای دریافت جایزه چشم طلایی این جشنواره به رقابت پرداخت. این رویداد سینمایی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم در اروپا است.

شیرین

زیاد در حرم می‌بینمش. شیرین می‌زند. سرخ خامه‌های رود و به‌اصرار شکلات می‌خواهد. به یکی دو تا هم قانع نمی‌شود:

-یکی دیگه هم بده!یکی دیگه!

روزی توی بست شیخ طوسی به تورم خوردم و همه شکلات‌های جیبیم، شاید نیصبت سی تا رایکی یکی خالی کرد. دوسه بار ازش خواستم رضایت بدهد چندتایش هم برای دیگر زائران باقی بماند. با لحنی تهدیدآمیز و در عین حال مسخره‌گر، دستور داد:

-بده!

راستش ازش می‌ترسم! با دیدنش حس بدی به‌هم دست می‌دهد. خب، من دوست دارم این شکلات‌ها نصیب تعداد بیشتری از زائران بشود. حالا امام رضا(ع) این جوانک شیرین‌عقل را می‌فرستد سراغم تا جیب‌هایم را خالی کند! البته هروقت چنین آدم‌هایی را در حرم می‌بینم، برای شفا‌یشان حمصدی می‌خوانم یا دعایی می‌کنم. همین دوشنبه، روز یازدهم محرم، توی بست شیخ طبرسی چوب‌پریه‌دست قدم می‌زدم که باز پیداش شد. با همان حس منفی همیشگی، چند شکلات بهش دادم و به لطایف‌الحیلی خودم راز دستش خلاص کردم. این بار، نگاهم را پی‌اش فرستادم تا ببینم با این همه شکلات چه می‌کند. دیدم چند قدم جلوتر دارده کودکی شکلات می‌دهد. بعد هم به خانم زائری. بعد هم به دیگری و دیگری. حس شکلات‌دانش هم دیدن داشت: آمیزه‌ای از افتخار و مهربانی و البته، التماس به زائران که:

-از من نترسید. من هم دوست دارم به زائر امام‌رضا(ع) شکلات بدهم. در یک لحظه معمای جوانک برایم حل شد. عجب!پس او هم خادمی است برای خودش؛ بی‌لباس، بی‌چوپرب، بی‌کارت و از همه مهم‌تر، بی‌ادعا. شیرین می‌زند. شاید هم فرهادی است شوریده شور شیرینی. شاید هم شیرینش مه‌شان به‌جز یکی، خودشان را از شکاف زیر در به خودم گفتم: «گنجشک‌ها کوچک‌اند و می‌توانند من هم اگر مثل گنجشک‌ها کوچک و فشرده زیر در، خودم را به آزادی برسانم. اگر درها و رنج‌ها زادی بهم می‌دهند، پس ای درها، مرا دریابید.»

ی باشد این بار بهش بگویم برای شقایق حمدی بخواند.

جیک‌ک‌اند؟

در صحن آزادی فرود آمدند. دوربین گوشی را آماده مه‌شان به‌جز یکی، خودشان را از شکاف زیر در به خودم گفتم: «گنجشک‌ها کوچک‌اند و می‌توانند من هم اگر مثل گنجشک‌ها کوچک و فشرده زیر در، خودم را به آزادی برسانم. اگر درها و رنج‌ها زادی بهم می‌دهند، پس ای درها، مرا دریابید.»

ی بود. دوست دارم گنجشک‌روزی باشم.

یک‌میلیارد

خواب مانده بودم و از کل کشیک، فقط دو ساعت نصیب شده بود؛ آن هم کنج باغ رضوان.

رسیدم آسایشگاه و پس از چای و استراحت، گرم صحبت شدم با شکوری؛ هم‌کشیک هم‌مسیرم که در راه برگشت، من را هم به خانه می‌رساند.

گپ‌وگفت و چای‌نوشی‌مان کشیده شد تا اذان مغرب. بعد از نماز، در دلم افسوس می‌خوردم که از خدمت مختصر امروز، اشک و آه و حالی نصیب نشده است. قصد داشتم بروم در صحن انقلاب، زیارت امین... بخوانم؛ ولی دیر شده بود و شکوری هم عجله داشت. به او گفتم: «فقط پنج دقیقه بمان من یک امین... بخوانم.»

رو به حضرت ایستادم و زیارت‌نامه تک‌برگی ویژه ایام کرونا را به دست گرفتم. شکوری هم پشت سرم ایستاد و مثل بچه‌هایی که سر امتحان سرگ می‌کشند تا برگه نفر جلویی را ببینند، زیارت‌نامه می‌خواند. رسیدم به آن دعا‌های زیبای اول زیارت: «اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً يَقْدَرُكَ، رَاضِيَةً يَقْضَايَكَ...» یادم آمد که قبل از نماز، داشتیم با شکوری یک ساعتی درباره کسب‌وکار و مشکلات مالی حرف می‌زدیم. یادم آمد که گفته بودم: «من یک‌میلیارد یکجا نیاز دارم!» دو سه عبارت را که خواندم، دیدم توی هیچ‌کدام از این خواسته‌ها، به یک‌میلیارد اشاره‌ای نشده! با خودم گفتم: «ببین دنیای ما کجاست و حال‌وهوای این دعاها کجا! همه‌اش می‌گوید خدایا، من را آرام و راضی کن. [چه با یک‌میلیارد، چه بی‌یک‌میلیارد!] خواسته‌های دیگری را ببین: برای سفر آخرتم، توشه تقوا به دستم بده. من را به اخلاق دوستانت مژن کن. از اخلاق دشمنانت دورم کن.» چند قطره اشک شرم روان شد و خدمت و زیارتم بی‌اشک و آه نماند.

اضافه خدمت

سربازها ازش متفرند ولی خدا می‌داند من چقدر لذت می‌برم از اضافه خدمت؛ لحظاتی که بدون لباس خدمت در حرم امام‌رضا(ع)، یا اصلا در خیابان‌های مشهد، زائری ازم سؤالی می‌پرسد و راهنمایی می‌خواهد. حس می‌کنم آقا دوست داشته در همان لحظه، علاوه بر خدمت هفتگی، بازهم خادمش باشم و توفیق نوکری زائرانش نصیبم شود. اما آقای بزرگوارم این اضافه خدمت را به بیرون از مشهد هم کشاند. چند روز مهمان کرامت حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) بودم و چند بار پیش آمد که زائران ازم راهنمایی خواستند:

آقا، سرویس‌های بهداشتی کدام طرف است؟
از کدام طرف بروم بازار؟

احساس کردم امام رضا(ع) سفارشم را به سیدالکریم کرده‌اند تا طعم اضافه خدمت را در این حرم باصفا هم چشیده باشم.

شکلات بلورین

شاید کمتر کسی باور کند که سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر علاوه بر سمیر غ بلورین، شکلات بلورین هم داشته است! و سرانجام، نمردیم و داور هم شدیم؛ آن هم در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر! قرار بود در بخش تجلی اراده ملی، جایزه فارسیما (زبان فارسی در سینما) را از طرف انجمن ویرایش و درست‌نویسی بدهیم به فیلمی که از نظر زبانی شسته رفته‌تر است.

با دو داور جوان دیگر، هر روز به پردیس سینمایی چارسو می‌رفتیم و تا نزدیک ساعت ۱۲ شب فیلم‌ها را می‌دیدیم. شب‌هایی که برای برگشت، نای

پیاده‌روی تا ایستگاه اتوبوس‌های تندرو را نداشتیم، دست به دامن تاکسی‌های نسل نو می‌شدیم؛ تاکسی‌های اینترنتی. اما طنز روزگار این‌که در دل چارسو و بیخ گوش علاءالدین که دریای گوشی‌اند، نسل گوشی‌های ما سه داور روی هم، به خیرکردن یک تاکسی اینترنتی قد نمی‌داد! زنگ می‌زدیم به آن تاکسی اینترنتی که فکر آدم‌های پیرگوشی را هم کرده و امکان درخواست تلفنی را هم تدارک دیده. شبی راننده جوانی به تماس‌مان لبیک گفت و خودش را به چارسو رساند. دست در جیب بردم تا با چند شکلات حرمی، خستگی‌اش را سبک کنم و دلش را به امام‌رضا(ع) گره بزنم.

خوشحال گفتم: «امشب اولین بار است که از این یکی تاکسی اینترنتی استفاده می‌کنم، البته مدتی است عضوش شده‌بودم. همین الان، از آن یکی هم درخواست داشتم در همین مسیر شما! ولی به این یکی پاسخ دادم. گویا قرار بوده این شکلات‌ها امشب نصیب من بشود.

پی‌نوشت: ۱. «این یکی» و «آن یکی» را اسم نمی‌برم تا خاطره‌ها پوی تبلیغ ندهد.
۲. جایزه فارسیما را به اتفاق آرا دادیم به فیلم سرخ‌پوست، ساخته نیما جاویدی. شب ولادت حضرت زهرا(سلام... علیها) اختتامیه بخش تجلی اراده ملی برگزار شد و علاوه بر تندیس جشنواره، چند شکلات بلورین هم در دستان نیما جاویدی جای گرفت!



ویژگی‌ها باعث شده بود که دانشمندانی از اهل سنت نیز در محضر امام حاضر شوند. بسیاری از کاتبان حدیث سلسله‌الذهب اهل سنت بودند. رفتار کریمانه و عالمانه امام موجب شده شیعه و سنی در کنار امام قرار بگیرند و جو وحدت‌آفرینی در دنیای اسلام به‌وجود آید. شیوه‌های علمی و فرهنگی امام‌رضا(ع) برخاسته از روش راهی است که قرآن به ما نشان می‌دهد. زبان گفت‌وگو و گفتمان امام‌رضا(ع) بر مبنای وحدت و حفظ امت‌واحد استوار است. حضور امام‌رضا(ع) در جلسات مناظره با سران ادیان با تکیه بر مستندات عقلی و قرآنی در دیگران چیره و این پیروزی‌های علمی موجب ایجاد شور و شعف میان علمای مسلمان می‌شود. این رویداد علمی برگ دیگری از فعالیت‌های وحدت‌آفرین امام‌رضا(ع) است. امام اهل مناظره و گفتمان علمی بود. زبان علمی و علما را می‌دانست. به عقیده من، این ویژگی امام‌رضا(ع)، معجزه امام برای آن زمان است. حضور امام‌رضا(ع) در ایران و رفع اختلافات مذهبی، نقش وحدت‌آفرین امام در امت اسلام و آینده‌ای که برای ایران ترسیم کردند صدقه جاریه‌ای است که از امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) برای جهان اسلام به‌جا مانده است. به جرات می‌توان گفت امام‌رضا(ع) پرچمدار گفت‌وگوی ادیان است.

راهکار شما برای بهره‌مندی از روش گفت‌وگو محور

امام در فضای اجتماعی و تبلیغی چیست؟

اولا روش گفت‌وگو محور امام‌رضا(ع) در برخورد با مخالفان و حتی معاندان درس مهمی است که دیگران را حذف تکمیل بلکه راه را نشان دهیم. بر علمای مسلمان واجب عینی است که برای دفاع از حقانیت اسلام، با پشتوانه قوی علمی در گفت‌وگوها شرکت کنند. مسأله

راهکار شما برای بهره‌مندی از روش گفت‌وگو محور

بعدی در حوزه تبلیغ دین باید علاوه بر تکیه بر مبانی و روش‌های کاربردی امامدر گفت‌وگو و گفتمان‌سازی، از ابزار نوین رسانه‌ای و هنری به‌خصوص فضای مجازی و هنر هفتم استفاده برد. مبلغین باید با فضا‌های نوی تبلیغی آشنا شوند. زبان‌های بیگانه را بدانند و نسبت

به فضای اجتماعی و فرهنگی برون‌مرزی آگاهی کسب کنند. با وجود خلق شبهات و پرسش‌های بسیاری که رسانه و فضای مجازی بستر توسعه آن شده است، اکتفا به روش‌های سنتی تبلیغ برای پاسخ‌دادن به شبهات اشتباه است.

علاوه‌براین روش، مبانی و راهکارهای امام‌رضا(ع) در حوزه گفت‌وگو و گفتمان‌سازی در بسترهای جدید رسانه‌ای، اثرگذاری بیشتری خواهد داشت. علاوه بر نوسازی روش‌های تبلیغی و گفت‌وگو، باید نگاهی نو به موضوعاتی کرد که امروز نیاز جامعه است. آنچه امام‌حسینی(ره) از آن به‌عنوان حوزه نوپیا و مسائل روز یاد می‌کرد، در دنیای ما بسیار کاربردی است. نمی‌شود به پرسش‌های نو و شبهات نوظهور که در فضای مجازی مطرح است، پاسخ کهنه داد. باید به دنبال پاسخ و ابزار نو برای مطرح‌شدن در دنیای جدید بود.

برای تاسی به روش امام‌رضا(ع) و مطرح‌کردن اسلام در دنیای بیرون مرزهای جغرافیایی نیازمند افرادی چون شهید بهشتی، دکتر بازرگان، دکتر شریعتی، امام موسی صدر و شهید صدر هستیم. جلسات مناظره شهید بهشتی با کیانوری و احسان طبری، از سران توده نشان‌دهنده این بود که او همچون امام‌رضا(ع) با تسلط بر مبانی فکری طرف مناظره، در جلسه حاضر شده است.